هو السمیع المجیب

متن کامل دعای عرفه

به همراه ترجمه فارسی و فایل صوتی

دعای حضرت امام حسین (علیه السلام) در روز عرفه

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحَمدُ لِلهِ الَّذي لَيسَ لِقَضائِهِ دافِعٌ وَلا لِعَطائِهِ مانِعٌ

ستایش مخصوص خدایی است که قضاء و حکمِ او را برگرداننده، و عطاء او را بازدارنده‌ای نباشد

وَلا كصُنعِهِ صُنعُ صانِعٍ وَهوَالجَوادُ الواسِعُ

و مانند خلقت او خلقتی یافت نشود و اوست عطابخش نعمت‌های بی‌کران

فَطَرَ أجناسَ البَدائِعِ وَأتقَنَ بِحِكمَتِهِ الصَّنائِعَ

اجناس آفریده‌ها را از نیستی به ظهور آورد و خلایق را به حکمت خویش استوار ساخت

لا تَخفَى عَلَيهِ الطَّلائِعُ وَلا تَضيعُ عِندَهُ الوَدائِعُ

هرآنچه پدیدار شود بر او مخفی نباشد و آنچه نزد او به ودیعه گذاشته شود ضایع نگردد

جازي كلِّ صانِعٍ وَرائِشُ كلِّ قانِعٍ وَراحِمُ كلِّ ضارِعٍ

اوست پاداش‌دهندهٔ هر عمل‌کننده، و بی‌نیازکنندهٔ هر قناعت‌پیشه، و رحم‌آورنده بر هر زاری‌کننده

مُنزِلُ المَنافِعِ وَالكتابِ الجامِعِ بِالنّورِ السّاطِعِ

نازل‌کنندهٔ منفعت‌ها و کتاب جامع با نور درخشان

وَهوَلِلدَّعَواتِ سامِعٌ وَلِلكرُباتِ دافِعٌ

او دعاها را بشنود و سختی‌ها را برطرف سازد

وَلِلدَّرَجاتِ رافِعٌ وَلِلجَبابِرَةِ قامِعٌ

درجات (نیکان) را بیفزاید و گردن‌کشان را خوار سازد

فَلا إلَهَ غَيرُهُ وَلا شَيءَ يعدِلُهُ وَلَيسَ كمِثلِهِ شَيءٌ

پس معبودی جز او نیست و همتا و مانندی برای او نباشد

وَهوَالسَّميعُ البَصيرُ اللَّطيفُ الخَبيرُ وَهوَعَلى كلِّ شَيءٍ قَديرٌ

و اوست شنوا و بینا، و لطیف و آگاه، و او بر هر امری تواناست

اللهُمَّ إنّي أرغَبُ إلَيكَ وَأشهَدُ بِالرُّبوبيةِ لَكَ

بار إلها، من مشتاق توام و به پروردگاری تو گواهی می‌دهم

مُقِرًّا بِأنَّكَ رَبّي وَإلَيكَ مَرَدّي

درحالی‌که اقرار می‌کنم که تو پروردگار منی و بازگشت من به‌سوی توست

ابتَدَأتَني بِنِعمَتِكَ قَبلَ أن أكونَ شَيئًا مَذكورًا

نعمتت را بر من آغاز نمودی پیش از آنکه موجودی درخور یاد باشم

وخَلَقتَني مِنَ التُّرابِ ثُمَّ أسكنتَني الأصلابَ آمِنًا لِرَيبِ المَنونِ وَاختِلافِ الدُّهورِ وَالسِّنينَ

و مرا از خاک آفریدی سپس در صُلب‌ها (پشت پدران) جای دادی و از حوادث زمانه و گردش روزگاران و سال‌ها ایمنم نمودی

فَلَم أزَل ظاعِنًا مِن صُلبٍ إلَى رَحِمٍ في تَقادُمٍ مِنَ الأيّامِ الماضيةِ وَالقُرونِ الخاليةِ

پس همواره از صُلبی به رَحِمی کوچ می‌نمودم و بر این منوال روزها گذشت و قرن‌ها سپری شد

لَم تُخرِجني لِرَأفَتِكَ بي وَلُطفِكَ لي وَإحسانِكَ إلَيّ في دَولَةِ أئِمَّةِ الكفرِ

و تو از باب نهایت مِهر و لطف و احسانی که به من داشتی، مرا در حکومت سردمداران کفر، به دنیا نیاوردی

الَّذينَ نَقَضوا عَهدَكَ وَكذَّبوا رُسُلَكَ

آنان که پیمانت را شکستند و فرستادگانت را تکذیب نمودند

لَكنَّكَ أخرَجتَني لِلَّذي سَبَقَ لي مِنَ الهُدَى

بلکه مرا برای هدایتی که برایم مقرر نموده بودی به دنیا آوردی

الَّذي لَهُ يسَّرتَني وَفيهِ أنشَأتَني

هدایتی که مرا برای پذیرش آن آماده ساختی و در بستر آن هدایت، مرا پرورش دادی

وَمِن قَبلِ ذَلِكَ رَؤُفتَ بي بِجَميلِ صُنعِكَ وَسَوابِغِ نِعَمِكَ

و پیش از آن نیز با رفتار نکویت و نعمت فراوانت به من محبّت ورزیدی

فابتَدَعتَ خَلقي مِن مَنيٍّ يُمنَى وَأسكنتَني في ظُلُماتٍ ثَلاثٍ بَينَ لَحمٍ وَدَمٍ وَجِلدٍ

پس خلقتم را از نطفه قرار دادی و مرا در تاریکی‌های سه‌گانه؛ بین گوشت و خون و پوست جای دادی

لَم تُشهِدني خَلقي وَلَم تَجعَل إليّ شَيئًا مِن أمري

مرا بر خلقتم آگاه نساختی و چیزی از امر آفرینشم را به من واگذار ننمودی

ثُمَّ أخرَجتَني لِلَّذي سَبَقَ لي مِنَ الهُدَى إلَى الدُّنيا تامًّا سَوِيًّا

سپس مرا بشری کامل و معتدل، به‌سوی هدایتی که برایم تقدیر نموده بودی به دنیا آوردی

وَحَفِظتَني في المَهدِ طِفلًا صَبيا و رَزَقتَني مِنَ الغِذاءِ لَبَنًا مَريّاً

و مرا در خردسالی در گهواره محافظت نمودی و از غذاها شیر گوارا روزیم ساختی

وَعَطَفتَ عَلَيَّ قُلوبَ الحَواضِنِ وَكفَّلتَني الأُمَّهاتِ الرَّواحِمَ

و دل دایه‌گان را بر من مهربان نمودی و مادران دلسوز را به پرستاری‌ام گماشتی

وَكلَأتَني مِن طَوارِقِ الجانِّ وَسَلَّمتَني مِنَ الزِّيادَةِ وَالنُّقصانِ

و از آسیب جنّیان و شیاطین محفوظ نمودی و از زیاده و کم مصون داشتی

فَتَعالَيتَ يا رَحيمُ يا رَحمانُ

پس تو برتر و والاتری ای مهربان و ای بخشنده

حَتَّى إذا استَهلَلتُ ناطِقًا بِالكلامِ أتمَمتَ عَلَيَّ سَوابِغَ الإنعامِ

تا آن زمان که لب به سخن گشودم و نعمت‌های فراوانت را بر من تمام نمودی

وَرَبَّيتَني زائِدًا في كلِّ عامٍ حَتَّى إذا اكتَمَلَت فِطرَتي وَاعتَدَلَت مِرَّتي

در هر سال بیشتر پرورشم دادی، تا آنگاه که خلقت اصلیم کامل شد و مزاجم اعتدال یافت

أوجَبتَ عَلَيَّ حُجَّتَكَ بِأن ألهَمتَني مَعرِفَتَكَ وَرَوَّعتَني بِعَجائِبِ حِكمَتِكَ

حجّتت را بر من تمام کردی، که معرفت و شناخت خود را به من الهام بخشیدی و به عجایب حکمت خویش مرا شگفت‌زده نمودی

وَأيقَظتَني لِما ذَرَأتَ في سَمائِك وَأرضِك مِن بَدائِعِ خَلقِك

و به زیبایی‌های خلقتت در آسمان و زمین، متنبّه نمودی

وَنَبَّهتَني لِشُكرِك وَذِكرِك وَأوجَبتَ عَلَيَّ طاعَتَك وَعِبادَتَك

و مرا برای شکرگزاری و یاد تو، هشیار ساختی و اطاعت و بندگیت را بر من واجب نمودی

وَفَهَّمتَني ما جاءَت بِهِ رُسُلُك وَيسَّرتَ لي تَقَبُّلَ مَرضاتِك

و آنچه را پیامبرانت آوردند به من فهماندی و پذیرش عوامل خشنودیت را بر من آسان نمودی

وَمَنَنتَ عَلَيَّ في جَميعِ ذٰلِك بِعَونِك وَلُطفِك

و در تمام این امور با یاری و مهربانی‌ات بر من منّت نهادی

ثُمَّ إذ خَلَقتَني مِن خَيرِ الثَّرَى لَم تَرضَ لي يا إلٰهي نِعمَةً دونَ أُخرَى

و از آنجا که مرا از بهترین خاک‌ها (طینت‌ها) آفریدی، بر من نپسندیدی که از نعمتی برخوردار و از نعمت دیگر محروم باشم

وَرَزَقتَني مِن أنواعِ المَعاشِ وَصُنوفِ الرِّياشِ بِمَنِّك العَظيمِ الأعظَمِ عَلَيَّ وَإحسانِك القَديمِ إلَيَّ

بلکه با منّت بزرگ و والاترت نسبت به من و بر اساس احسان دیرینه‌ات بر من، از انواع متاع حیات و زندگی و اقسام لوازم کامرانی، روزی‌ام فرمودی

حَتّٰى إذا أتمَمتَ عَلَيَّ جَميعَ النِّعَمِ وَصَرَفتَ عَنّي كلَّ النِّقَمِ

تا جائی‌که همهٔ نعمت‌ها را بر من تمام نمودی و تمامی رنج‌ها را از من دورساختی

لَم يمنَعك جَهلي وَجُرأتي عَلَيك أن دَلَلتَني إلَىٰ ما يقَرِّبُني إلَيك وَوَفَّقتَني لِما يزلِفُني لَدَيك

مرا به آنچه به تو نزدیکم می‌سازد رهنمون شدی و به آنچه مرا به پیشگاه تو نزدیک سازد توفیق دادی و نادانی و بی‌باکیم در برابر تو، مانع از اینها نشد

فَإن دَعَوتُك أجَبتَني وَإن سَألتُك أعطَيتَني

پس اگر تو را خواندم اجابت کردی و اگر از تو خواستم عطا فرمودی

وَإن أطَعتُك شَكرتَني وَإن شَكَرتُك زِدتَني

و اگر اطاعت کردم قدردانی نمودی و اگر شکر گزاشتم بر نعمت افزودی

كلُّ ذٰلِك إكمالٌ لِأنعُمِك عَلَيَّ وَإحسانِك إلَيَّ

اینها همه به جهت کامل نمودن نعمت و احسان خداوندیت بر من است

فَسُبحانَك سُبحانَك مِن مُبدِئٍ مُعيدٍ حَميدٍ مَجيدٍ

پس منزّهی تو، منزّهی تو، که آغازکنندهٔ خلقتی و بازگردانندهٔ آن، و ستوده و با عظمت

تَقَدَّسَت أسماؤُك وَعَظُمَت آلاؤُك

نام‌هایت مقدّس است و نعمت‌هایت با عظمت

فَأيُّ نِعَمِك يا إلٰهي أُحصي عَدَدًا وَذِكرًا؟ أم أيُّ عَطاياك أقومُ بِها شُكرًا

بار إلها، کدام‌یک از نعمت‌هایت را به شماره آورم و یاد کنم، یا به سپاسگزاری کدام‌یک از عطاهایت برخیزم

وَهي يا رَبِّ أكثَرُ مِن أن يُحصِيهَا العادّونَ أو يبلُغَ عِلمًا بِها الحافِظونَ

درحالی‌که بارپروردگارا، بیش از آن است که حسابگران برشمارند و دانش اندیشمندان آن را دریابد

ثُمَّ ما صَرَفتَ وَدَرَأتَ عنّي اللهُمَّ مِنَ الضُّرِّ وَالضَّرّاءِ أكثَرُ مِمّا ظَهَرَ لي مِنَ العافيةِ وَالسَّرّاءِ

بار إلها، وانگهی آنچه از سختی و بلا از من بازگرداندی و دور کردی، بیش از آن عافیت و خوشی‌ای است که برایم آشکار گشته است

وَأنا أشهَدُ يا إلَهي بِحَقيقَةِ إيماني وَعَقدِ عَزَماتِ يقيني

خداوندا، و من شاهدم و گواهی می‌دهم با حقیقت ایمانم و با استواری و قاطعیت یقینی که دارم

وَخالِصِ صَريحِ تَوحيدي وَباطِنِ مَكنونِ ضَميري

و با توحید خالص و بی‌شائبهٔ خود و از اعماق پنهانی درونم

وَعَلائِقِ مَجاري نورِ بَصَري وَأساريرِ صَفحَةِ جَبيني

و [جوارحم نیز گواهی می‌دهند] با رشته‌های مجراهای نور چشمم، و خطوط صفحهٔ پیشانی‌ام

وَخُرقِ مَسارِبِ نَفسي وَخَذاريفِ مارِنِ عِرنيني وَمَسارِبِ سِماخِ سَمعي

و با شکاف راه‌های تنفّسم، و پرده‌های نرمهٔ بینی‌ام، و راه‌های پردهٔ گوشم

وَما ضُمَّت وَأطبَقَت عَلَيهِ شَفَتاي وَحَرَكاتِ لَفظِ لِساني وَمَغرَزِ حَنَكِ فَمي وَفَكّي

و با آنچه لبانم بر هم بسته شود و قرار گیرد، و با حرکت‌های زبانم برای تلفّظ، و با محلّ پیوند کام و فکّ من

وَمَنابِتِ أضراسي وَمَساغِ مَطعَمي وَمَشرَبي وَحِمالَةِ أُمِّ رَأسي وَبُلوعِ فارِغِ حَبائِلِ عُنُقي

و محل روییدن دندان‌هایم، و محلّ چشیدن خوراک و آشامیدنی‌ام، و رشته و عصب مغز سرم، و لولهٔ متصل به رگ‌های گردنم

وَما اشتَمَلَ عَلَيهِ تامورُ صَدري وَحَمائِلِ حَبلِ وَتيني

و آنچه در قفسهٔ سینه‌ام جای دارد، و رشته‌های رگ قلبم

وَنِياطِ حِجابِ قَلبي وَأفلاذِ حَواشي كبِدي وَما حَوَتهُ شَراسيفُ أضلاعي

و آویزهٔ پردهٔ قلبم، و پاره‌های اطراف کبدم، و آنچه استخوان دنده‌هایم دربرگرفته

وَحِقاقُ مَفاصِلي وَقَبضُ عَواملِي وَأطرافُ أنامِلي

و گودی‌های مفصل‌هایم، و انقباضات عضلات بدنم، و سر انگشتانم

وَلَحمي وَدَمي وَشَعري وَبَشَري وَعَصَبي وَقَصَبي وَعِظامي وَمُخّي وَعُروقي

و با گوشت و خون و مویم و پوست و عصب و نای و استخوانم و مغز و رگ‌هایم

وَجَميعُ جَوارِحي وَما انتَسَجَ عَلَى ذَلِكَ أيّامَ رِضاعي

و با تمامی اعضا و جوارحم و آنچه در مدّت شیرخوارگی‌ام بر آن روییده

وَما أقَلَّتِ الأرضُ مِنّي وَنَومي وَيقَظَتي وَسُكوني وَحَرَكاتِ رُكوعي وَسُجودي

و با آنچه زمین بر پشت خود برداشته است و با خواب و بیداریم و با سکون و حرکت و رکوع و سجودم [گواهی می‌دهم؛]

أن لَو حاوَلتُ وَاجتَهَدتُ مَدَى الأعصارِ وَالأحقابِ لَو عُمِّرتُها

که اگر تلاش کنم و در طول قرون و اعصار ــ به فرض که چنین عمری کنم ــ کوشش نمایم

أن أُؤَدّي شُكرَ واحِدَةٍ مِن أنعُمِك ما استَطَعتُ ذَلِك

که شکر یکی از نعمت‌هایت را به‌جا آورم نخواهم توانست

إلّا بِمَنِّك الموجِبِ عَلَيَّ بِهِ شُكرُك أبَدًا جَديدًا وَثَناءً طارِفًا عَتيدًا

جز به لطف تو، که بدان شکرِ دیگری بر من واجب می‌شود، شکری دائم و نو، و ثنایی تازه و فراهم

أجَل وَلَو حَرَصتُ أنا وَالعادّونَ مِن أنامِك أن نُحصي مَدَىٰ إنعامِك سالِفِهِ وَآنِفِهِ

آری، اگر من و همهٔ حسابگران از آفریدگانت، حرص ورزیم که گسترهٔ إنعام تو را، از نعمت‌های گذشته و آینده برشماریم

ما حَصَرناهُ عَدَدًا وَلا أحصَيناهُ أمَدًا

شمارهٔ آن را به دست نیاوریم و انتها و گسترهٔ آن را درنخواهیم یافت

هَيهاتَ أنَّى ذَلِك

هیهات! کجا چنین چیزی واقع شود (میسّر است)؟!

وَأنتَ المُخبِرُ في كتابِك النّاطِقِ وَالنَّبَإ الصّادِقِ

درحالی‌که تو در کتاب گویا و خبر راستینت فرمودی:

﴿وَإن تَعُدّوا نعمَةَ الله لا تُحصوها﴾

«اگر نعمت خدا را برشمارید آن را شمارش نتوانید نمود!»

صَدَقَ كتابُك اللهُمَّ وَإنباؤُك

خداوندا، کتاب تو راست گفته و خبرت صادق بوده

و بَلَّغَت أنبياؤُك وَرُسُلُك ما أنزَلتَ عَلَيهِم مِن وَحيك وَشَرَعتَ لَهم وَبِهِم مِن دينِك

و پیامبران و فرستادگانت آنچه از وحی بر ایشان فرو فرستادی

و آنچه از دینت بر آنها و به‌وسیلهٔ آنها تشریع نمودی رساندند

غَيرَ أنّي يا إلَهي أشهَدُ بِجُهدي وَجِدّي وَمَبلَغِ طاعَتي وَوُسعي

جز اینکه ای خدای من، با تمام سعی و کوششم و تمام تلاشم، و هر آنچه در سعه و توان دارم گواهی می‌دهم

وَأقولُ مُؤمِنًا موقِنًا

و از روی باور و یقین می‌گویم:

﴿الحَمدُ لِلَّهِ الَّذي لَم يتَّخِذ وَلَدًا﴾ فَيكونَ مَوروثًا

جمیع مراتب ستایش خدای را که فرزندی نگزیده تا از او به ارث بَرَد

وَلَم يكن لَهُ شَريك في مُلكِه فَيضادَّهُ فيما ابتَدَعَ وَلا وَليٌّ مِنَ الذُّلِ فَيُرفِدَهُ فيما صَنَعَ

و برای او در فرمانروایی‌اش شریکی نبوده تا با او در آنچه پدید آورده مخالفت کند؛ و نه یاوری از پَستی

برای اوست که در آفرینش او را یاری رساند

فَسُبحانَهُ سُبحانَهُ

پس منزّه است او، منزّه است او

﴿لَو كانَ فيهما آلِهَةٌ إلّا اللهُ لَفَسَدَتا﴾ **وَتَفَطَّرَتا!**

«اگر در آسمان و زمین جز او خدایی بود تباه می‌شدند» و از هم می‌پاشیدند

سُبحانَ اللهِ الواحِدِ الأحَدِ الصَّمَدِ الَّذي ﴿لَم يلِد ولَم يولَد ولَم يكن لَهُ كفوًا أحَدٌ﴾**!**

منزّه است یکتا و یگانه‌ای که بی‌نیاز است، آنکه فرزند ندارد و فرزند کسی نیست، و هیچ‌کس همتا و برابر او نمی‌باشد

الحَمدُ لِلّهِ حَمدًا يعادِلُ حَمدَ مَلائِكَتِهِ المُقَرَّبينَ وَأنبيائِهِ المُرسَلينَ

ستایش خدای را، ستایشی که با ستایش ملائکهٔ مقرّب و پیامبران مُرسَلش برابر باشد

وَصَلَّى اللهُ عَلَى خيرَتِهِ مُحَمَّدٍ خاتَمِ النَّبيينَ وَآلِهِ الطَّيبينَ الطّاهِرينَ المُخلَصينَ وَسَلَّمَ

و صلوات و درود خدا بر برگزیدگان او، محمّد خاتم پیامبران و خاندان پاک و مطهّر و خالص (واصلان به مقام اخلاص) او باد

ثُمَّ اندَفَعَ في المَسألَةِ وَاجتَهَدَ في الدُّعاءِ وَقالَ وَعَيناهُ تَكفانِ دُموعًا:

پس آن حضرت شروع فرمود در درخواست و اهتمام نمود در دعا و آب از دیدگان مبارکش جاری بود، پس عرض نمود:

اللهُمَّ اجعَلني أخشاك كأنّي أراك

خداوندا، خشیّت و ترس از کبریا و عظمت خود را نصیبم کن گویی که تو را می‌بینم،

وَأسعِدني بِتَقواك وَلا تُشقِني بِمَعصيتِك

و مرا با تقوای خودت سعادتمند گردان، و به‌واسطهٔ نافرمانی‌ات مرا شقیّ و بدبخت مگردان

وَخِر لي في قَضائِك

و در قضاء و اراده‌ات خیر را نصیبم گردان

وَبارِك لي في قَدَرِك

و در مقدّراتت برایم برکت قرار ده

حَتَّى لا أُحِبَّ تَعجيلَ ما أخَّرتَ وَلا تَأخيرَ ما عَجَّلتَ

تا بدان‌جا برسم که نه در آنچه تو خواستار تأخیرش هستی دوستدار تعجیلش باشم و نه تأخیر آنچه پیش انداختی را بخواهم

اللهُمَّ اجعَل غِناىَ في نَفسي وَاليقينَ في قَلبي

بار إلها، بی‌نیازیم را در نَفْسم و یقین را در قلبم قرار بده

وَالإخلاصَ في عَمَلي وَالنّورَ في بَصَري وَالبَصيرَةَ في ديني

و اخلاص را در عملم و نور را در دیده و بصیرت را در دینم قرار ده

وَمَتِّعني بِجَوارِحي وَاجعَل سَمعي وَبَصَري الوارِثَينِ مِنّي

و مرا از جوارحم بهره‌مند گردان، و چشم و گوشم را وارث من قرار بده

وَانصُرني عَلَى مَن ظَلَمَني وَأرِني فيهِ ثاري وَمَآرِبي وَأقِرَّ بِذَلِك عَيني

و مرا بر آن که به من ستم روا داشته یاری‌ام ده

و به‌واسطهٔ انتقام‌جویی و برآورده‌شدن حاجت، پیروزمندی را نشانم بده و بدین‌سبب چشمم را روشن گردان

اللهُمَّ اكشِف كُربَتي وَاستُر عَورَتي وَاغفِر لي خَطيئَتي وَاخسَأ شَيطاني

خدایا اندوه مرا برطرف کن و عیب مرا بپوشان و از خطایم درگذر و شیطانم را با خواری بران

وَفُكَّ رِهاني

و ذمّه‌ام را از گرو کرده‌هایم برَهان

وَاجعَل لي يا إلَهي الدَّرَجَةَ العُليا في الآخِرَةِ وَالأُولَى

بار إلها و برایم در دنیا و آخرت درجهٔ والا را مقدّر فرما

اللهُمَّ لَكَ الحَمدُ كما خَلَقتَني فَجَعَلتَني سَميعًا بَصيرًا

خداوندا، ستایش مخصوص توست که مرا آفریدی و شنوا و بینا گرداندی

وَلَكَ الحَمدُ كما خَلَقتَني فَجَعَلتَني خَلقًا سَوِيّاً رَحمَةً بي وَقَد كنتَ عن خَلقي غَنيّاً

خداوندا، ستایش مخصوص توست که مرا آفریدی و از غایت مهربانی بر من، خلقتم را نیکو قرار دادی با آنکه از من بی نیاز بودی

رَبِّ بِما بَرَأتَني فَعَدَّلتَ فِطرَتي

پروردگارا، قسم به اینکه مرا آفریدی سپس سرشت مرا معتدل ساختی

رَبِّ بِما أنشَأتَني فَأحسَنتَ صورَتي

پروردگارا به اینکه مرا هستی دادی و صورتم را زیبا نگاشتی

رَبِّ بِما أحسَنتَ إلَيَّ وَفي نَفسي عافَيتَني

پروردگارا، به اینکه به من احسان کردی و مرا عافیتِ نفْس دادی

رَبِّ بِما كلَأتَني وَوَفَّقتَني

ای پروردگار من، به اینکه مرا حفظ کردی و توفیق دادی

رَبِّ بِما أنعَمتَ عَلَيَّ فَهَدَيتَني

پروردگارا، به اینکه بر من إنعام فرمودی سپس هدایت نمودی

رَبِّ بِما أولَيتَني وَمِن كلِّ خَيرٍ أعطَيتَني

پروردگارا، به اینکه لایق إنعامم ساختی و از هر خیری عطایم نمودی

رَبِّ بِما أطعَمتَني وَسَقَيتَني

پروردگارا، به اینکه خوراندی و نوشاندی

رَبِّ بِما أغنَيتَني وَأقنَيتَني

پروردگارا، به اینکه بی‌نیازم ساختی و اندوخته‌ام دادی

رَبِّ بِما أَغنَتَني وَأعزَزتَني

پروردگارا، به اینکه یاریم کردی و عزیز ساختی

رَبِّ بِما أَلبَستَني مِن سِترِك الصّافي وَيسَّرتَ لي مِن صُنعِك الكافي

پروردگارا، به اینکه از پوشش پاکیزه‌ات بر من پوشانیدی و به کفایت خود، کار بر من آسان نمودی

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

بر محمد و خاندان محمد صلوات و درود فرست

وَأعِنّي عَلَى بَوائِقِ الدُّهورِ وَصُروفِ اللَّيالي وَالأيامِ

و مرا در بلاهای روزگار و حوادث شب و روز یاری رسان

وَنَجِّني مِن أهوالِ الدُّنيا وَكرُباتِ الآخِرَةِ

و از هراس دنیا و اندوه‌های آخرت نجاتم ده،

وَاكفِني شَرَّ ما يعمَلُ الظّالِمونَ في الأرضِ

و مرا از شرّ آنچه ستمگران در زمین انجام می‌دهند کفایت فرما

اللهُمَّ ما أخافُ فاكفِني وَما أحذَرُ فَقِني

خدایا از آنچه می‌ترسم مرا کفایت کن و از آنچه حذر می‌کنم نگهداری کن

وَفي نَفسي وَديني فاحرُسني

و در نفْسم و دینم از من نگهبانی فرما

وَفي سَفَري فَاحفَظني وَفي أهلي وَمالي فَاخلُفني

و مرا در سفرم نگهدار و در خاندان و مالم جانشین باش

وَفيما رَزَقتَني فَبارِك لي وَفي نَفسي فَذَلِّلني

و در آنچه روزیم فرمودی برکت ده و در نزد خویش ذلیل و خوارم ساز

وَفي أعيُنِ النّاسِ فَعَظِّمني وَمِن شَرِّ الجِنِّ وَالإنسِ فَسَلِّمني

و در دیدگان مردم بزرگم کن و از شرّ جن و انس سالمم بدار

وَبِذُنوبي فَلا تَفضَحني وَبِسَريرَتي فَلا تُخزِني

و به‌وسیلهٔ گناهانم رسوایم مساز و به‌واسطهٔ درون آلوده‌ام آبرویم مَبَر

وَبِعَمَلي فَلا تَبتَلِني وَنِعَمَك فَلا تَسلُبني

و به‌وسیلهٔ عملم گرفتارم مساز و مرا از نعمت‌هایت باز نگیر

وَإلَى غَيرِك فَلا تَكِلني

و به غیر خود واگذارم مکن

إلَهي إلَى مَن تَكِلُني إلَى قَريبٍ فَيقطَعُني أم إلَى بَعيدٍ فَيتَجَهَّمُني

خدایا، مرا به که وا می‌گذاری؟

به خویشاوند که از من ببُرَد؟!

یا به بیگانه تا با من با ترش‌رُویی برخورد کند؟!

أم إلَى المُستَضعِفينَ لي وَأنتَ رَبّي وَمَليكُ أمري؟

یا به آنان که خوارم می‌شمرند؟! و حال‌اینکه تو خدای من و زمامدار امر منی!

أشكو إلَيك غُربَتي وَبُعدَ داري وَهَواني عَلَى مَن مَلَّكتَهُ أمري

شِکوه به تو آورده‌ام از غربتم و دوری خانهٔ آخرتم و خواری‌ام نزد کسی که اختیار کارم را به او دادی.

إلَهي فَلا تُحلِل عَلَيَّ غَضَبَك

پس معبود من! غضبت را بر من فرود نیاور

فَإن لَم تَكن غَضِبتَ عَلَيَّ فَلا أُبالي سواك سُبحانَك غَيرَ أنَّ عافيتَك أوسَعُ لي

که اگر تو بر من خشمگین نباشی، از غیر تو باکی ندارم، منزّهی تو، جز اینکه عافیتت بر من گسترده‌تر است

فَأسألُك يا رَبِّ بِنورِ وَجهِك الَّذي أشرَقَت لَهُ الأرضُ وَالسَّماواتُ

پس از تو درخواست می‌کنم پروردگارا به نور جمالت که زمین و آسمان‌ها به آن روشن گشت

وَكُشِفتَ [انكشفت] بِهِ الظُّلُماتِ وَصَلُحَ بِهِ أمرُ الأوَّلينَ وَالآخِرينَ

و تاریکی‌ها به آن برطرف شد، و کار گذشتگان و آیندگان به‌وسیلهٔ آن به اصلاح رسید

أن لا تُميتَني عَلَىٰ غَضَبِك وَلا تُنزِلَ بي سَخَطَك

که مرا بر قهر و ناخشنودی‌ات نمیرانی و خشمت را بر من فرود نیاوری

لَك العُتبَىٰ لَك العُتبَىٰ حَتَّى تَرضَىٰ قَبلَ ذَلِك

از تو پوزش می‌طلبم، از تو پوزش می‌طلبم تا پیش از آن (نزول عذاب و خشمت) راضی گردی

لا إلَهَ إلّا أنتَ رَبَّ البَلَدِ الحَرامِ وَالمَشعَرِ الحَرامِ

معبودی جز تو نیست،

ای پروردگار خانهٔ محترم و مشعرالحرام

وَالبَيتِ العَتيقِ الَّذي أحلَلتَهُ البَرَكةَ وَجَعَلتَهُ لِلنّاسِ أمنًا

و خانهٔ قدیمی (کعبه) که برکت را در آن نازل فرمودی و آن را برای مردم ایمن ساختی

يا مَن عَفا عن عَظيمِ الذُّنُوبِ بِحِلمِهِ

ای آن‌که با بردباری‌اش از گناهان بزرگ گذشت،

يا مَن أسبَغَ النَّعماءَ بِفَضلِهِ

ای آن‌که با فضلش نعمت‌ها را کامل ساخت،

يا مَن أعطَى الجَزيلَ بِكَرَمِهِ

ای آن‌که با کرمش گسترده و فراوان عطا کرد

يا عُدَّتي في شِدَّتي يا صاحِبي في وَحدَتي

ای پشت و پناهم (ذخیره‌ام) در سختی‌ام، ای همراهم در تنهایی‌ام،

يا غِياثي في كُربَتي يا وَليّي في نِعمَتي

ای فریادرسم در گرفتاری‌ام، ای سرپرستم در نعمت‌ها

يا إلَهي وَإلَهَ آبائي إبراهيمَ وَإسماعيلَ وَإسحاقَ وَيعقوبَ

ای خدای من و خدای پدرانم: ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب

وَرَبَّ جَبرَئيلَ وَميكائيلَ وَإسرافيلَ

و ای پروردگار جبرائیل و میکاییل و اسرافیل

وَرَبَّ مُحَمَّدٍ خاتَمِ النَّبيينَ وَآلِهِ المُنتَجَبينَ

و ای پروردگار محمّد خاتم پیامبران و اهل‌بیت برگزیده‌اش

وَ مُنزِلَ التَّوراةِ وَالإنجيلِ وَالزَّبورِ وَالفُرقانِ

و ای نازل‌کنندهٔ تورات و انجیل و زبور و فرقان (قرآن)

وَمُنزِّلَ كهيعص وَطه وَيس وَالقُرآنِ الحَكيمِ

و ای فروفرستندهٔ «کهیعص» و «طه» و «یس» و «قرآن حکیم»

أنتَ كَهفي حينَ تُعيينِي المَذاهِبُ في سَعَتِها وَتَضيقُ بي الأرضُ بِرُحبِها وَلَولا رَحمَتُك لَكنتُ مِنَ الهالِكينَ

تو پناهم هستی آن زمان که راه‌های زندگانی با همهٔ وسعتشان درمانده‌ام کنند، و زمین با همهٔ پهناوری‌اش بر من تنگ گیرد، و اگر رحمت تو نبود هرآینه از هلاک‌شدگان بودم

وَأنتَ مُقيلُ عَثْرَتي وَلَولا سِترُك إيّاي لَكنتُ مِنَ المَفضوحينَ

و تویی که لغزشم را نادیده می‌گیری و اگر پرده‌پوشی‌ات بر من نبود، هرآینه من از رسواشدگان بودم

وَأنتَ مُؤَيِّدي بِالنَّصرِ عَلَى أعدائي وَلَولا نَصرُك إياي لَكنتُ مِنَ المَغلوبينَ

و تویی که با یاریت مرا بر دشمنانم پیروز نمودی و اگر یاریت نبود هرآینه من از شکست‌خوردگان بودم

يا مَن خَصَّ نَفسَهُ بِالسُّموِّ وَالرِّفعَةِ فَأولياؤُهُ بِعِزِّهِ يعتَزّونَ

ای کسی که خود را به بلندی و برتری اختصاص داده، سپس دوستانش به عزّت او عزّت می‌یابند

يا مَن جَعَلَت لَهُ المُلوك نيرَ المَذَلَّةِ عَلَى أعناقِهِم فَهُم مِن سَطَواتِهِ خائِفونَ

ای آن‌که پادشاهان در برابرت یوغ خواری بر گردن نهادند و از ید قدرت (حملهٔ) تو هراسانند

﴿يعلَمُ خائِنَةَ الأعينِ وَما تُخفى الصُّدورُ﴾

خیانت چشم‌ها را و آنچه سینه‌ها پنهان می‌کنند می‌داند

وَغَيبَ ما تَأتي بِهِ الأزمِنَةُ وَالدُّهورُ

و به پنهانی‌هایی که زمان‌ها و روزگاران آشکار سازد آگاهی دارد

يا مَن لا يَعلَمُ كيفَ هوَإلّا هوَ

ای آن‌که جز او نمی‌داند که او چگونه است،

يا مَن لا يَعلَمُ ما هوَإلّا هوَ

ای آن‌که جز او نمی‌داند او چیست،

يا من لا يَعلَمُه الّا هو

ای آن‌که جز او، او را نمی‌شناسد

يا مَن كبَسَ الأرضَ عَلَى الماءِ وَسَدَّ الهَواءَ بِالسَّماءِ

ای آن‌که زمین را بر آب انباشت و هوا را به آسمان بست،

يا مَن لَهُ أكرَمُ الأسماءِ

ای آن‌که او را گرامی‌ترین نام‌هاست،

يا ذا المَعروفِ الَّذي لا ينقَطِعُ أبَدًا

ای صاحب احسانی که هرگز قطع نگردد

يا مُقَيِّضَ الرَّكبِ ليوسُفَ في البَلَدِ القَفرِ وَمُخرِجَهُ مِنَ الجُبِّ وَجاعِلَهُ بَعدَ العُبوديّةِ مَلِكاً

ای آن‌که کاروان را برای نجات یوسف در سرزمین بی‌آب و گیاه برانگیخت، و او را از چاه بیرون آورد و پس از بردگی به پادشاهی‌اش رساند

يا رادَّهُ عَلَىٰ يعقوبَ بَعدَ أنِ ابيضَّت عَيناهُ مِنَ الحُزنِ فَهوَكظيمٌ

ای آن‌که یوسف را به نزد یعقوب پس از آنکه دو چشمش از اندوه سفید شد و دلش آکنده از غم بود بازگرداند

يا كاشِفَ الضُّرِّ وَالبَلوىٰ عن أيُّوبَ

ای آن‌که رنج و بلا را از ایّوب دور ساختی

وَمُمسِكَ يَدَيْ إبراهيمَ عن ذِبحِ ابنِهِ بَعدَ كبَرِ سِنِّهِ وَفَناءِ عُمُرِهِ

و دست ابراهیم را پس از سالخوردگی و در پایان زندگی از کشتن فرزندش باز داشتی

يا مَنِ استَجابَ لِزَكَريّا فَوَهَبَ لَهُ يحيى وَلَم يَدَعهُ فَردًا وَحيدًا

ای آن‌که دعای زکرّیا را اجابت کرد و یحیی را به او بخشید و او را یگانه و تنها وا نگذاشت

يا مَن أخرَجَ يونُسَ مِن بَطنِ الحوتِ

ای آن‌که یونس را از دل ماهی بیرون آورد،

يا مَن فَلَقَ البَحرَ لِبَني إسرائيلَ فَأنجاهُم وَجَعَلَ فِرعَونَ وَجُنودَهُ مِنَ المُغرَقينَ

ای آن‌که دریا را برای بنی‌اسرائیل شکافت و آنان را نجات داد و فرعون و لشگریانش را از غرق‌شدگان قرار داد

يا مَن أرسَلَ الرِّياحَ مُبَشِّراتٍ بَينَ يدَي رَحمَتِهِ

ای آن‌که بادها را مژده دهندگانی پیشاپیش باران رحمتش فرستاد،

يا مَن لَم يعجَل عَلَىٰ مَن عَصاهُ مِن خَلقِهِ

ای آن‌که بر عذاب نافرمانان از بندگانش شتاب نمی‌ورزد

يا مَنِ استَنقَذَ السَّحَرَةَ مِن بَعدِ طولِ الجُحودِ

ای آن‌که ساحران روزگار موسی را از ورطهٔ هلاکت رهانید، پس از آنکه سالیان طولانی در انکار حق بودند

وَقَد غَدَوا في نِعمَتِهِ يأكُلونَ رِزقَهُ وَيعبُدونَ غَيرَهُ

درحالی‌که متنعّم به نعمت او رزقش را می‌خوردند و غیر او را بندگی می‌کردند،

وَقَد حادُّوهُ وَنادُّوهُ وَكذَّبوا رُسُلَهُ

و به دشمنی و شرک او برخاستند و پیامبرانش را تکذیب نمودند

يا اللهُ يا اللهُ

ای خدا، ای خدا،

يا بَديءُ يا بَديعُ لا نِدَّ لَكَ

ای آغازگر، ای پدیدآور، برای تو همتایی نیست،

يا دائِماً لا نَفادَ لَكَ

ای جاودانی که برایت پایانی نمی‌باشد

يا حَيّاً حينَ لا حَيَّ يا مُحيي المَوتَى

ای زنده آنگاه که زنده‌ای نیست، ای زنده‌کنندهٔ مردگان،

يا مَن هوَقائِمٌ عَلى كلِّ نَفسٍ بِما كسَبَت

ای چیره و مسلط بر هرکس و آنچه انجام داده است

يا مَن قَلَّ لَهُ شُكري فَلَم يَحرِمني

ای که شکرم برای او اندک است ولی محرومم نساخت

وَعَظُمَت خَطيئَتي فَلَم يفضَحني

و خطایم بزرگ شد اما رسوایم نکرد،

وَرَآني عَلَى المَعاصي فَلَم يَشهَرني [يخذلني]

و مرا درحال نافرمانی‌ها دید، ولی در بین مردم بی‌آبرو ننمود

يا مَن حَفِظَني في صِغَري يا مَن رَزَقَني في كِبَري

ای که در خردسالی حفظم نمود و در بزرگسالی رزقم داد

يا مَن أياديهِ عِندي لا تُحصَىٰ وَنِعَمُهُ لا تُجازَىٰ

ای که عطاهایش نزد من به‌شمار نیاید و نعمت‌هایش تلافی نگردد

يا مَن عارَضَني بِالخَيرِ وَالإحسانِ وَعارَضتُهُ بِالإساءَةِ وَالعِصيانِ

ای که با من به خیر و احسان روبرو شد و من با بدی و نافرمانی با او روبرو گشتم

يا مَن هَداني لِلإيمانِ مِن قَبلِ أن أعرِفَ شُكرَ الِامتِنانِ

ای که به ایمان هدایتم نمود، پیش از آنکه شیوهٔ سپاس نعمت‌هایش را بشناسم

يا مَن دَعَوتُهُ مَريضًا فَشَفاني

ای که او را در بیماری خواندم پس شفایم داد،

وَعُريانًا فَكَساني

و در برهنگی خواندم مرا پوشانید،

وَجائِعًا فَأشبَعَني

و در حال گرسنگی خواندم سیرم کرد

وَعَطشانًا فَأرواني

و در حال تشنگی خواندم سیرابم نمود،

وَذَليلًا فَأعَزَّني

در حال خواری خواندم عزّتم بخشید،

وَجاهِلًا فَعَرَّفَني

در نادانی خواندم مرا معرفت بخشید،

وَوَحيدًا فَكثَّرَني

در تنهایی خواندم افزونی جمعیتم بخشید

وَغائِبًا فَرَدَّني

و در دوری از وطن خواندم مرا برگرداند

وَمُقِلًّا فَأغناني

و در حال نداری خواندم دارایم کرد

وَمُنتَصِرًا فَنَصَرَني

و از او یاری خواستم یاری‌ام فرمود

وَغَنيًّا فَلَم يسلُبني

و در ثروتمندی او را خواندم محرومم نکرد

وَأمسَكتُ عن جَميعِ ذٰلِك فابتَدَأني

و از درخواست همهٔ اینها باز ایستادم، او احسان را بر من آغاز نمود

فَلَكَ الحَمدُ وَالشُّكرُ

پس حمد و سپاس توراست!

يا مَن أقالَ عَثْرَتي وَنَفَّسَ كربَتي وَأجابَ دَعوَتي

ای که لغزشم را نادیده گرفت و اندوهم را زدود و دعایم را اجابت نمود

وَستَرَ عَورَتي وَغَفَرَ ذُنوبي وَبَلَّغَني طَلِبَتي وَنَصَرَني عَلَىٰ عَدوّي

و عیبم را پوشاند و گناهم را آمرزید و مرا به خواسته‌ام رساند و بر دشمنم پیروز گرداند

وَإن أعُدَّ نِعَمَك وَمِنَنَك وَكرائِمَ مِنَحِك لا أُحصيها

اگر نعمت‌ها و عطاها و بخشش‌های باارزشت را برشمارم هرگز نمی‌توانم به شماره آورم

يا مَولاي أنتَ الَّذي مَنَنت أنتَ الَّذي أنعَمتَ

ای سرور من، تویی که منّت نهادی (بر من)، تویی که نعمت دادی،

أنتَ الَّذي أحسَنتَ أنتَ الَّذي أجمَلتَ

تویی که احسان نمودی، تویی که نیکی نمودی

أنتَ الَّذي أفضَلْتَ أنتَ الَّذي أكمَلْتَ

تویی که فزونی بخشیدی، تویی که کامل کردی،

أنتَ الَّذي رَزَقتَ أنتَ الَّذي وَفَّقتَ

تویی که روزی دادی، تویی که موّفق نمودی

أنتَ الَّذي أعطَيتَ أنتَ الَّذي أغنَيتَ

تویی که عطا فرمودی، تویی که بی‌نیاز نمودی،

أنتَ الَّذي أقنَيتَ أنتَ الَّذي آوَيتَ

تویی که ثروت بخشیدی، تویی که پناه دادی

أنتَ الَّذي كفَيتَ أنتَ الَّذي هَدَيتَ

تویی که کفایت نمودی، تویی که هدایت کردی،

أنتَ الَّذي عَصَمتَ أنتَ الَّذي سَتَرتَ

تویی که نگاه داشتی، تویی که پرده‌پوشی نمودی

أنتَ الَّذي غَفَرتَ أنتَ الَّذي أقَلتَ

تویی که آمرزیدی، تویی که نادیده گرفتی،

أنتَ الَّذي مكَّنتَ أنتَ الَّذي أعزَزتَ

تویی که مُکنت دادی، تویی که عزّت بخشیدی

أنتَ الَّذي أعنتَ أنتَ الَّذي عَضَدتَ

تویی که یاری نمودی، تویی که دست گرفتی،

أنتَ الَّذي أيَّدتَ أنتَ الَّذي نَصَرتَ

تویی که تأیید نمودی، تویی که نصرت دادی

أنتَ الَّذي شَفَيتَ أنتَ الَّذي عافَيتَ

تویی که شفا بخشیدی، تویی که عافیت دادی،

أنتَ الَّذي أكْرَمتَ تَبارَكتَ وَتَعالَيتَ

تویی که گرامی داشتی؛ بزرگ و برتری

فَلَكَ الحَمدُ دائِمًا

پس ستایش همیشه تو راست

وَلَكَ الشُّكرُ واصِبًا أبَدًا

و سپاس دائم و جاوید از آنِ توست

ثُمَّ أنا يا إلَهي المُعتَرِفُ بِذُنوبي فاغفِرها لي

و از این سو، ای معبودم، منم آنکه به گناهانم اعتراف می‌کنم، پس آنها را بیامرز

أنا الَّذي أسَأتُ أنا الَّذي أخطَأتُ

منم که بد کردم، منم که خطا کردم،

أنا الَّذي هَمَمتُ أنا الَّذي جَهِلتُ

منم که به گناه همّت نمودم، منم که نادانی نمودم

أنا الَّذي غَفَلتُ أنا الَّذي سَهَوتُ

منم که غفلت ورزیدم، منم که اشتباه کردم،

أنا الَّذي اعتَمَدتُ أنا الَّذي تَعَمَّدتُ

منم که به غیر تو اعتماد کردم، منم که در گناه تعمّد ورزیدم

أنا الَّذي وَعَدتُ أنا الَّذي أخلَفتُ

منم که وعده کردم، منم که وعده شکستم،

أنا الَّذي نَكثتُ أنا الَّذي أقرَرتُ

منم که پیمان‌شکنی نمودم، منم که اقرار کردم

أنا الَّذي اعتَرَفتُ بِنِعمَتِك عَلَيَّ وَعِندي وَأبوءُ بِذُنوبي فاغفِرها لي

منم که به نعمتت بر خود و نزد خود اعتراف نمودم و به گناهانم اقرار می‌کنم، پس آنها را بر من ببخشای

يا مَن لا تَضُرُّهُ ذُنوبُ عِبادِهِ وَهوَالغَنيُّ عن طاعَتِهِم

ای آن‌که گناهان بندگانش به او زیانی نرساند درحالی‌که او از طاعت آنان بی‌نیاز است

وَالموَفِّقُ مَن عَمِلَ صالِحًا مِنهُم بِمَعونَتِهِ وَرَحمَتِهِ

و هر که از بندگانش عمل صالحی انجام دهد اوست که با یاری و رحمتش او را توفیق داده

فَلَك الحَمدُ إلَهي وَسَيدي

پس ای معبود من و آقای من، ستایش مخصوص توست

إلَهي أمَرتَني فَعَصَيتُك وَنَهَيتَني فارتَكبتُ نَهيَك

ای معبود من، فرمان دادی نافرمانیت کردم، نهی نمودی مرتکب شدم

فَأصبَحتُ لا ذا بَراءَةٍ لي فَأعتَذِرَ وَلا ذا قوَّةٍ فَأنتَصِرَ

اکنون چنانم که نه بی‌گناهم تا عذر آورم و نه توان دارم تا یاری بخواهم

فَبِأيِّ شَيءٍ أستَقبِلُك يا مَولاي؟!

پس با چه چیزی به تو روی آرم ای مولای من؟

أبِسَمعي أم بِبَصَري أم بِلِساني أم بيدي أم بِرِجلي

آیا با گوشم، یا با دیده‌ام، یا با زبانم، یا با دستم، یا با پایم؟!

أليسَ كلُّها نِعَمَك عِندي وَبِكُلِّها عَصَيتُك؟

آیا اینها همه نعمت‌های تو نزد من نبود و من تو را با همهٔ اینها نافرمانی نکردم؟

يا مَولاي! فَلَك الحُجَّةُ وَالسَّبيلُ عَلَيَّ

ای مولای من، پس تو حجّت و راه بر مؤاخذهٔ من داری

يا مَن سَتَرَني مِنَ الآباءِ وَالأُمَّهاتِ أن يزجُروني

ای آن‌که مرا از پدران و مادران پوشاند از اینکه مرا از خود برانند،

وَمِنَ العَشائِرِ وَالإخوانِ أن يُعَيِّرُوني

و از خویشان و برادران از اینکه مرا نکوهش کنند،

وَمِنَ السَّلاطينِ أن يُعاقِبوني

و از پادشاهان از اینکه مجازاتم نمایند

وَلَوِ اطَّلَعوا يا مَولايَ عَلَىٰ ما اطَّلَعتَ عَلَيهِ مِنّي إذًا ما أنظَروني وَلَرَفَضوني وَقَطَعوني

مولای من، اگر اینان آگاه می‌شدند بر آنچه تو از من می‌دانی، هرگز مهلتم نمی‌دادند و مرا از خود می‌راندند و از من می‌بریدند

فَها أنا ذا يا إلَهي بَينَ يدَيك يا سَيدي خاضِعٌ ذَليلٌ حَصيرٌ حَقيرٌ

آری من همینم ای خدای من، در برابرت هستم، ای سرور من، سرافکنده و خوار و درمانده و ناچیز

لا ذو بَراءَةٍ فَأعتَذِرَ وَلا ذو قوَّةٍ فَأنتَصِرَ

نه بی‌گناهم تا عذر آورم و نه توانی دارم که یاری بخواهم

وَلا ذو حُجَّةٍ فَأحتَجَّ بِها

و نه حجّتی که با آن احتجاج نمایم

وَلا قائِلٌ لَم أجتَرِح وَلَم أعمَل سوءًا

و نه می‌توانم بگویم که گناه و کار بد نکرده‌ام،

وَما عَسَى الجُحودُ لَو جَحَدتُ يا مَولايَ يَنفَعُني

و بر فرض که انکار کنم ـ مولای من ـ چگونه این انکار مرا سود بخشد؟

كيفَ وَأنَّىٰ ذَلِك وَجَوارِحي كلُّها شاهِدَةٌ عَلَيَّ بِما قَد عَمِلتُ

و چگونه این انکار مرا سود بخشد و حال آنکه همهٔ اعضا و جوارحم بر آنچه کردم بر من گواهند

و عَلِمتُ يقينًا غَيرَ ذي شَكٍ أنَّك سائِلي مِن عَظائِمِ الأُمورِ

به یقین دانستم بدون هیچ تردیدی که تو از کارهای عظیم من خواهی پرسید

وَأنَّك الحَكَمُ العَدلُ الَّذي لا تَجورُ

و تو حاکم عدالت‌پیشه‌ای هستی که در حکم و داوری ستم نمی‌کنی

وَعَدلُك مُهلِكي وَمِن كلِّ عَدلِك مَهرَبي

و همان عدالت تو مرا هلاک خواهد نمود و از همهٔ عدالت تو من گریزانم

فَإن تُعَذِّبني يا إلَهي فَبِذُنوبي بَعدَ حُجَّتِك عَلَيَّ

پس ای معبود من، هرگاه عذابم کنی، به خاطر گناهان من خواهد بود پس از آنکه بر من حجّتی داری

وَإن تَعفُ عنّي فَبِحِلمِك وَجودِك وَكرَمِك

و اگر بر من ببخشی از بردباری و جود و کرم تو خواهد بود

﴿لا إلهَ إلّا أنتَ سُبحانَک إنّی کنتُ مِنَ الظّالِمینَ﴾

معبودی جز تو نیست و منزّهی تو و من از ستمکارانم،

لا إلَهَ إلّا أنتَ سُبحانَك إنّي كنتُ مِنَ المُستَغفِرينَ

معبودی جز تو نیست و منزّهی تو و من از استغفارکنندگانم

لا إلَهَ إلّا أنتَ سُبحانَك إنّي كنتُ مِنَ الموَحِّدينَ

معبودی جز تو نیست و منزّهی تو و من از یکتاپرستانم

لا إلَهَ إلّا أنتَ سُبحانَك إنّي كنتُ مِنَ الخائِفينَ

معبودی جز تو نیست و منزّهی تو و من از بیمناکانم

لا إلَهَ إلّا أنتَ سُبحانَك إنّي كنتُ مِنَ الوَجِلينَ

معبودی جز تو نیست و منزّهی تو و من از هراسندگانم

لا إلَهَ إلّا أنتَ سُبحانَك إنّي كنتُ مِنَ الرّاجينَ

معبودی جز تو نیست و منزّهی تو و من از امیدوارانم

لا إلَهَ إلّا أنتَ سُبحانَك إنّي كنتُ مِنَ الرّاغِبينَ

معبودی جز تو نیست و منزّهی تو و من از مشتاقانم

لا إلَهَ إلّا أنتَ سُبحانَك إنّي كنتُ مِنَ المُهَلِّلينَ

معبودی جز تو نیست و منزّهی تو و من از لا إله إلّا الله گویانم

لا إلَهَ إلّا أنتَ سُبحانَك إنّي كنتُ مِنَ السّائِلينَ

معبودی جز تو نیست و منزّهی تو و من از درخواست‌کنندگانم

لا إلَهَ إلّا أنتَ سُبحانَك إنّي كنتُ مِنَ المُسَبِّحينَ

معبودی جز تو نیست و منزّهی تو و من از تسبیح‌کنندگانم

لا إلَهَ إلّا أنتَ سُبحانَك إنّي كنتُ مِنَ المُكَبِّرينَ

معبودی جز تو نیست و منزّهی تو و من از تکبیرگویانم

لا إلَهَ إلّا أنتَ سُبحانَك رَبّي وَرَبُّ آبائي الأوَّلينَ

معبودی جز تو نیست و منزّهی تو ای پروردگار من و پدران پیشینم

اللهُمَّ هَذا ثَنائي عَلَيك مُمَجِّدًا وَإخلاصي لِذِكرِك موَحِّدًا

خدایا این است ثنای من در مقام تعظیم تو، و اخلاص من در یاد تو در مقام یکتاپرستی‌ات

وَإقراري بِآلائِك مُعَدِّدًا

و اعترافم به نعمت‌هایت که به شمار آوردم،

وَإن كنتُ مُقِرًّا أنّي لَم أُحصِها لِكثرَتِها وَسُبوغِها

هرچند اعتراف دارم نتوانستم آنها را شماره کنم به‌خاطر کثرت و کمالش

وَتَظاهُرِها وَتَقادُمِها إلَى حادِثٍ ما لَم تَزَل تَتَعَهَّدُني [تتغمّدني] بِهِ مَعَها

و پیشی‌جستن آنها بر من تاکنون، که همواره با آنها به من رسیدگی می‌نمودی،

مُنذُ خَلَقتَني وَبَرَأتَني مِن أوَّلِ العُمُرِ

از زمانی که در آغاز مرا آفریدی و پدید آوردی

مِنَ الإغناءِ مِنَ [بعد] الفَقرِ وَكَشفِ الضُّرِّ

که از تهیدستی به بی‌نیازی رساندی و گرفتاری‌ام را برطرف کردی

وَتَسبيبِ اليُسرِ وَدَفعِ العُسرِ

و اسباب آسایشم را فراهم ساختی و سختی را برداشتی

وَتَفريجِ الكَربِ وَالعافيةِ في البَدَنِ وَالسَّلامَةِ في الدّينِ

و اندوه را زدودی و بدنم را در عافیت و دینم را سلامت داشتی

وَلَو رَفَدَني عَلَى قَدرِ ذِكرِ نِعمَتِك جَميعُ العالَمينَ مِنَ الأوَّلينَ وَالآخِرينَ ما قَدَرتُ وَلا هُم عَلَىٰ ذٰلِك

و اگر برای بیان نعمتت همهٔ جهانیان از گذشتگان و آیندگان یاریم دهند، نه من خواهم توانست نه آنها بر بیان آنها قدرتی دارند

تَقَدَّستَ وَتَعالَيتَ مِن رَبٍّ كريمٍ عَظيمٍ رَحيمٍ

مقدّسی و برتری تو ای پروردگار کریم و بزرگ و مهربان،

لا تُحصَىٰ آلاؤُك وَلا يُبلَغُ ثَناؤُك وَلا تُكافَى نَعماؤُك

عطاهایت به عدد نیاید، کسی را توان ستایش تو نیست، و نعمت‌هایت تلافی نگردد

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست

وَأتمِم عَلَينا نِعَمَك وَأسعِدنا بِطاعَتِك

و نعمت‌هایت را بر ما تمام کن و به طاعتت ما را سعادت عنایت فرما،

سُبحانَك لا إلَهَ إلّا أنتَ

منزّهی تو، معبودی جز تو نیست

اللهُمَّ إنَّك تُجيبُ المُضطَرَّ وَتَكشِفُ السّوءَ

خداوندا، تو درماندگان را پاسخ می‌دهی و بدی را برطرف می‌سازی

وَتُغيثُ المَكرُوبَ وَتَشفي السَّقيمَ

و به فریاد گرفتاران (غمدیدگان) می‌رسی و بیمار را شفا می‌بخشی

وَتُغني الفَقيرَ وَتَجبُرُ الكَسيرَ

و تهیدست را بی‌نیاز می‌گردانی و شکستگی را التیام می‌بخشی

وَتَرحَمُ الصَّغيرَ وَتُعينُ الكَبيرَ

و به کودکان ترحّم می‌کنی و به بزرگسالان یاری می‌رسانی

وَلَيسَ دونَك ظَهيرٌ وَلا فَوقَك قَديرٌ وَأنتَ العَلِيُّ الكَبيرُ

جز تو پشتیبانی نیست و قدرتمندی بالاتر از تو وجود ندارد و تویی بلندمرتبه و بزرگ

يا مُطلِقَ المُكبَّلِ الأسيرِ

ای رهاکنندهٔ اسیر در بند،

يا رازِقَ الطِّفلِ الصَّغيرِ

ای روزی‌دهندهٔ کودک خردسال،

يا عِصمَةَ الخائِفِ المُستَجيرِ

ای پناه هراسندهٔ پناه‌خواه،

يا مَن لا شَريكَ لَهُ وَلا وَزيرَ

ای که برایت شریک و دستیاری نیست

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست

وَأعطِني في هَذِهِ العَشيَّةِ أفضَلَ ما أعطَيتَ وَأنَلتَ أحَدًا مِن عِبادِكَ مِن نِعمَةٍ تؤلِيها

و در این شب برترین چیزی را که عطا کرده‌ای و به هر یک بندگانت داده‌ای به من عطا کن، از نعمتی که می‌بخشی

وَآلاءٍ تُجَدِّدُها وَبَليةٍ تَصرِفُها

و عطاهایی که تجدید می‌نمایی و بلایی که برمی‌گردانی

وَكُربَةٍ تَكشِفُها وَدَعوَةٍ تَسمَعُها

و اندوهی که برطرف می‌کنی و دعایی که می‌شنوی

وَحَسَنَةٍ تَتَقَبَّلُها وَسَيئَةٍ تَتَغَمَّدُها

و عمل نیکی که می‌پذیری و بدی که می‌پوشانی

إنَّكَ لَطيفٌ بِما تَشاءُ خَبيرٌ وَعَلَىٰ كلِّ شَيءٍ قَديرٌ

همانا تو به لطف ازلی و علم ربّانی به هرچه خواهی آگاهی و بر همه چیز توانایی

اللهُمَّ إنَّكَ أقرَبُ مَن دُعي

خداوندا، تو نزدیک‌ترین کسی هستی که خوانده شود

وَأسرَعُ مَن أجابَ

و سریع‌ترین کسی که جواب دهد

وَأكرَمُ مَن عَفا

و بزرگوارترین کسی که گذشت کند

وَأوسَعُ مَن أعطَى

و وسیع‌ترین کسی که عطا کند

وَأسمَعُ مَن سُئِلَ

و شنواترین کسی که از او درخواست شود

يا رَحمانَ الدُّنيا وَالآخِرَةِ وَرَحيمَهُما

ای مهربان دنیا و آخرت و بخشندهٔ در دنیا و آخرت،

لَيسَ كمِثلِكَ مَسئولٌ وَلا سِواكَ مَأمولٌ

درخواست شونده‌ای چون تو نیست، و آرزویی غیر تو وجود ندارد (مطلوب و مقصود بی‌مثل و مانندی و جز تو آرزویی نداریم)

دَعَوتُكَ فَأجَبتَني

خواندمت پاسخم دادی،

وَسَألتُك فَأعطَيتَني

از تو درخواست کردم عطایم نمودی،

وَرَغِبتُ إلَيك فَرَحِمتَني

و به‌سویت میل و اشتیاق ورزیدم به من رحم فرمودی

وَوَثِقتُ بِك فَنَجَّيتَني

به تو اطمینان کردم نجاتم دادی،

وَفَزِعتُ إلَيك فَكفَيتَني

و به تو پناه بردم کفایتم نمودی

اللهُمَّ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبدِك وَرَسولِك وَنَبيِّك وَعَلَى آلِهِ الطَّيبينَ الطّاهِرينَ أجمَعينَ

بار إلها، درود فرست بر محمّد بنده و فرستاده‌ات و پیامبرت و بر جمیع اهل‌بیت پاک و پاکیزه‌اش

وَتَمِّم لَنا نَعماءَك وَهَنِّئنا عَطاءَك

و نعمت‌هایت را بر ما تمام کن و عطاهایت را بر ما گوارا گردان

وَاكتُبنا لَك شاكرينَ وَلِآلائِك ذاكرينَ

و ما را از سپاسگزارانت و یادکنندگان نعمت‌هایت قرار ده،

آمينَ آمينَ رَبَّ العالَمينَ

آمین آمین ای پروردگار عالَمیان

اللهُمَّ يا مَن مَلَكَ فَقَدَرَ وَقَدَرَ فَقَهَرَ

خداوندا، ای که بر مُلک وجود مالک و بر هر چیز توانا گشتی، توانستی و چیره گشتی،

وَعُصِيَ فَسَتَرَ وَاستُغفِرَ فَغَفَرَ

و ای کسی که نافرمانی‌ات کردند و پوشاندی، از تو آمرزش خواستند و درگذشتی

يا غايةَ الطّالِبينَ الرّاغبين وَمُنتَهَى أمَلِ الرّاجينَ

ای مقصود خواستاران مشتاق و ای نهایت آرزوی امیدواران

يا مَن أحاطَ بِكلِّ شَيءٍ عِلمًا

ای آن‌که دانشت بر هر چیز احاطه دارد

وَوَسِعَ المُستَقيلينَ رَأفَةً وَرَحمَةً وَحِلمًا

و ای کسی که مهربانی و رحمت و بردباریت، توبه‌جویان را فرا گرفته

اللهُمَّ إنّا نَتَوَجَّهُ إلَيك في هَذِهِ العَشيَّةِ

خداوندا، در این شب به تو روی می‌آوریم،

الَّتي شَرَّفتَها وَعَظَّمتَها بِمُحَمَّدٍ نَبيك وَرَسولِك

شبی که آن را شرافت و عظمت بخشیدی به‌وسیلهٔ محمّد پیامبرت و فرستاده‌ات

وَخيرَتِك مِن خَلقِك وَأمينِك عَلَى وَحيِك البَشيرِ النَّذيرِ السِّراجِ المُنيرِ

و برگزیده‌ات از میان خلائقت و امین وحی‌ات، آن مژده‌دهنده و بیم‌دهنده و چراغ تابناک

الَّذي أنعَمتَ بِهِ عَلَى المُسلِمينَ وَجَعَلتَهُ رَحمَةً لِلعالَمينَ

آن‌که به سبب او بر مسلمانان نعمت بخشیدی و او را رحمت برای جهانیان قرار دادی

اللهُمَّ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كما مُحَمَّدٌ أهلٌ لِذَلِك مِنك يا عَظيمُ

پس خداوندا، بر محمّد و اهل‌بیت محمّد درود فرست، که او لایق این درود از جانب توست، ای خدای بزرگ

فَصَلِّ عَلَيهِ وَعَلَى آلِهِ المُنتَجَبينَ الطَّيّبين الطّاهِرينَ أجمَعينَ

پس بر او و بر همهٔ اهل‌بیت برگزیده و پاک و پاکیزه‌اش درود فرست

وَتَغَمَّدنا بِعَفوِك عنّا

و ما را در پوشش رحمت و بخششت فرا گیر

فَإلَيك عَجَّتِ الأصواتُ بِصُنوفِ اللُّغاتِ

که صداها به هر زبانی به‌سوی تو بلند است،

فاجعَل لَنا اللهُمَّ في هَذِهِ العَشيَّةِ نَصيبًا مِن كلِّ خَيرٍ تَقسِمُهُ بَينَ عِبادِك

خدایا در این شب برای ما بهره‌ای قرار ده از هر خیری که میان بندگانت تقسیم می‌کنی

وَنورٍ تَهدي بِهِ وَرَحمَةٍ تَنشُرُها

و از هر نوری که با آن هدایت می‌نمایی و رحمتی که می‌گسترانی

وَبَرَكةٍ تُنزِلُها وَعافيةٍ تُجَلِّلُها

و از هر برکتی که فرو می‌فرستی و عافیتی که بر بندگان می‌پوشانی

وَرِزقٍ تَبسُطُهُ يا أرحَمَ الرّاحِمينَ

و از هر رزقی که می‌گستری [برایم بهره‌ای قرار ده]، ای مهربان‌ترین مهربانان

اللهُمَّ اقلِبنا في هَذا الوَقتِ مُنجِحينَ مُفلِحينَ مَبرورينَ غانِمينَ

خدایا ما را در این وقت از پیشگاه رحمتت پیروز و رستگار و با عمل پذیرفته و کامیاب بازگردان

وَلا تَجعَلنا مِنَ القانِطينَ

و ما را از ناامیدان قرار مده

وَلا تُخلِنا مِن رَحمَتِك

و از رحمتت بی‌بهره مگردان

وَلا تَحرِمنا ما نُؤَمِّلُهُ مِن فَضلِك

و از آن فضل تو که چشم انتظاریم محروم مساز

وَلا تَجعَلنا مِن رَحمَتِك مَحرومينَ

و از رحمتت بی‌بهره منما

وَلا لِفَضلِ ما نُؤَمِّلُهُ مِن عَطائِك قانِطينَ

و از فزونی عطایت که آرزو داریم ناامید مساز

وَلا تَرُدَّنا خائِبينَ وَلا مِن بابِك مَطرودينَ

و ناکام باز مگردان و از درگاهت مران،

يا أجوَدَ الأجوَدينَ وَأكرَمَ الأكرَمينَ

ای بخشنده‌ترین بخشندگان و کریم‌ترین کریمان

إلَيك أقبَلنا موقِنينَ وَلِبَيتِك الحَرامِ آمّينَ قاصِدينَ

از روی یقین و باور به درگاهت رو نمودیم و قصد و آهنگ خانه‌ات نمودیم

فَأعِنّا عَلَى مَناسِكنا وَأكمِل لَنا حَجَّنا

بر ادای مناسک حج یاری‌مان ده و حجّمان را کامل نما

وَاعفُ اللهُمَّ عنّا وَعافِنا

و از ما درگذر و به ما عافیت عنایت کن

فَقَد مَدَدنا إلَيك أيدِيَنا فَهي بِذِلَّةِ الِاعتِرافِ مَوسُومَةٌ

چراکه دست سوی تو دراز کرده‌ایم و این دست‌ها نشانه‌های خواری اعتراف به گناه در آن پدیدار است

اللهُمَّ فَأعطِنا في هَذِهِ العَشيَّةِ ما سَألناك وَاكفِنا ما استَكفَيناك

خدایا آنچه در این شب از تو خواستیم به ما عطا کن و کفایت آنچه را از تو خواستیم عهده‌دار باش

فَلا كافِيَ لَنا سِواك وَلا رَبَّ لَنا غَيرُك

که جز تو کفایت‌کننده‌ای نداریم و برای ما پروردگاری غیر تو نیست

نافِذٌ فينا حُكمُك مُحيطٌ بِنا عِلمُك عَدلٌ فينا قَضاؤُك

امر و فرمانت بر ما نافذ است، دانشت ما را احاطه کرده، حُکم و قضایت بر ما عادلانه است،

اقضِ لَنا الخَيرَ وَاجعَلنا مِن أهلِ الخَيرِ

خیر را برای ما حکم کن و ما را اهل خیر قرار بده

اللهُمَّ أوجِب لَنا بِجُودِك عَظيمَ الأجرِ وَكريمَ الذُّخرِ وَدَوامَ اليُسرِ

خداوندا، پاداش بزرگ و ذخیرهٔ کریمانه و دوام آسایش را به حق جودت بر ما لازم گردان

وَاغفِر لَنا ذُنوبَنا أجمَعينَ وَلا تُهلِكنا مَعَ الهالِكينَ

و گناهان همهٔ ما را بیامرز و با هلاک‌شدگان هلاکمان مکن

وَلا تَصرِف عنّا رَأفَتَك وَرَحمَتَك يا أرحَمَ الرّاحِمينَ

و مهربانی و رحمتت را از ما برمگردان، ای مهربان‌ترین مهربانان

اللهُمَّ اجعَلنا في هَذا الوَقتِ مِمَّن سَألَك فَأعطَيتَهُ وَشَكَرَك فَزِدتَهُ

خدایا در این وقت ما را از کسانی قرار ده که از تو درخواست کردند و تو به آنان عطا فرمودی و تو را شکر نمودند پس بر نعمت آنان افزودی

وَتابَ إلَيك فَقَبِلتَهُ وَتَنَصَّلَ إلَيك مِن ذُنوبِهِ كلِّها فَغَفَرتَها لَهُ

و به‌سویت بازگشتند و آنان را پذیرفتی و از همهٔ گناهانشان به‌سوی تو بیزاری جستند پس همهٔ گناهانشان را آمرزیدی،

يا ذا الجَلالِ وَالإكرامِ

ای دارای جلالت و بزرگواری

اللهُمَّ وَنَقِّنا [وَ وَفِّقنا] وَسَدِّدنا [و اعصمنا] وَاقبَل تَضَرُّعَنا

خدایا ما را توفیق ده و در راه استوار ساز، و تضرّع و زاری ما را بپذیر،

يا خَيرَ مَن سُئِلَ وَيا أرحَمَ مَنِ استُرحِمَ

ای بهترین کسی که از او درخواست شود، و ای مهربان‌ترین کسی که از او ترحّم خواهند

يا مَن لا يخفَى عَلَيهِ إغماضُ الجُفونِ وَلا لَحظُ العُيونِ

ای آن‌که بر هم نهادن پلک‌ها و نگاه چشم‌ها بر او پوشیده نیست

وَلا ما استَقَرَّ في المَكنونِ وَلا ما انطَوَت عَلَيهِ مُضمَراتُ القُلوبِ

و آنچه در نهان استقرار یافته و رازهای پوشیدهٔ دلها از او پنهان نیست

ألا كلُّ ذٰلِك قَد أحصاهُ عِلمُك وَوَسِعَهُ حِلمُك

آری همهٔ اینها را دانشت در بر گرفته(شمارش نموده) و بردباری‌ات فرا گرفته،

سُبحانَك وَتَعالَيتَ عَمّا يقولُ الظّالِمونَ عُلوًّا كبيرًا

تو منزّهی و بسی برتری، از آنچه ستمگران (درباره‌ات) می‌گویند

تُسَبِّحُ لَك السَّماواتُ السَّبعُ وَالأرَضُونَ وَمَن فيهِنَّ

آسمان‌های هفتگانه و زمین‌ها و هرکه در آنهاست تو را تسبیح می‌گویند

وَإن مِن شَيءٍ إلّا يسَبِّحُ بِحَمدِك

و هیچ موجودی نیست مگر اینکه همراه سپاست تو را تسبیح می‌گوید و منزّه می‌دارد

فَلَك الحَمدُ وَالمَجدُ وَعُلوُّ الجَدِّ

پس ستایش و بزرگی و بلندی رتبه از آنِ توست،

يا ذا الجَلالِ وَالإكرامِ وَالفَضلِ وَالإنعامِ وَالأيادِي الجِسامِ

ای دارندهٔ جلالت و کرامت و فضل و نعمت و موهبت‌های بزرگ،

وَأنتَ الجَوادُ الكريمُ الرَّءوفُ الرَّحيمُ

و تویی بخشنده و کریم و رئوف و مهربان

اللهُمَّ أوسِع عَلَيَّ مِن رِزقِك الحَلالِ وَعافِني في بَدَني وَديني

خدایا از روزی حلالت بر من وسعت بخش و در تن و دینم عافیت قرارده،

وَآمِن خَوفي وَأعتِق رَقَبَتي مِنَ النّارِ

و ترسم را به ایمنی مبدّل گردان و وجودم را از بند آتش برَهان

اللهُمَّ لا تَمكُر بي وَلا تَستَدرِجني

بارخدایا، مرا به مکر خود دچار مساز، و مرا به تدریج دچار غفلت مگردان،

وَلا تَخدَعني وَادرَأ عنّي شَرَّ فَسَقَةِ الجِنِّ وَالإنسِ

و مرا در خیالات باطلم رها مساز، و شرّ فاسقان جنّ و انس را از من دور کن

قالَ بِشرٌ وَبَشيرٌ ثُمَّ رَفَعَ عليه السلام صَوتَهُ وَبَصَرَهُ إلَى السَّماءِ وَعَيناهُ قاطِرَتانِ كأنَّها مَزادَتانِ وَقالَ:

بشر گوید: سپس حضرت صدای خود را بلند نمودند و رو به آسمان نمودند درحالی‌که مانند مشک از

چشمانش اشک سرازیر بود و عرض نمود:

يا أسمَعَ السّامِعينَ يا أبصَرَ النّاظِرينَ

ای شنواترین شنوایان، ای بیناترین بینایان

وَيا أسرَعَ الحاسِبينَ وَيا أرحَمَ الرّاحِمينَ

و ای سریعترین حسابرسان و ای مهربان‌ترین مهربانان

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ السّادَةِ المَيامينِ

بر محمّد و اهل‌بیت محمّد آن سروران پر برکت درود فرست

وَأسألُك اللهُمَّ حاجَتي الَّتي إن أعطَيتَنيها لَم يضُرَّني ما مَنَعتَني

و از تو می‌خواهم ـ خداوندا ـ آن حاجتم را که اگر آن را به من عطا کنی، دیگر هرچه را از من دریغ ورزی به من ضرری نرساند،

وَإن مَنَعتَنيها لَم ينفَعني ما أعطَيتَني

و اگر از من دریغ نمایی، دیگر هرآنچه را عطایم کنی سودی نبخشد

أسألُك فَكاكَ رَقَبَتي مِنَ النّارِ

درخواست دارم که از آتش دوزخ رهایی‌ام بخشی

لا إلَهَ إلّا أنتَ وَحدَكَ لا شَريكَ لَكَ

معبودی جز تو نیست، که یکتایی و شریک نداری،

لَكَ المُلكُ وَلَكَ الحَمدُ وَأنتَ عَلَى كلِّ شَيءٍ قَديرٌ

فرمانروایی و ستایش خاص توست، و تو بر هر چیز توانایی

يا رَبِّ يا رَبِّ...

پروردگارا پروردگارا...

قالَ بِشرٌ وَبَشيرٌ فَلَم يكُنِ لَهُ عليه السلام جَهدٌ إلّا قَولُهُ يا رَبِّ يا رَبِّ بَعدَ هَذا الدُّعاءِ وَشَغَلَ مَن حَضَرَ مِمَّن كانَ حَولَهُ وَشَهِدَ ذٰلِكَ المَحضَرَ عنِ الدُّعاءِ لِأنفُسِهِم وَأقبَلوا عَلَى الاِستِماعِ لَهُ عليه السلام وَالتَّأمينَ عَلَى دُعائِهِ قَدِ اقتَصَروا عَلَى ذٰلِكَ لِأنفُسِهِم ثُمَّ عَلَتَ أصواتُهُم بِالبُكاءِ مَعَهُ وَغَرَبَتِ الشَّمسُ وَأفاضَ عليه السلام وَأفاضَ النّاسُ مَعَهُ.

پس مکرّر عرضه می‌داشت یا رَبِّ یا رَبِّ... و تمام افرادی که دور حضرت بودند تماماً به حضرت گوش می‌دادند و آمین می‌گفتند. پس صداها به گریه همراه آن حضرت بلند شد تا آفتاب غروب نمود و از عرفات بیرون آمدند.